

منظور از معاشرت نه صحبت کردن و داشتن رابطه عادی با انسانها می باشد بلکه منظور داشتن آن نوع رابطه نزدیک بیچ دو شخص است که بین آنها یک پیوند و وابستگی روحی بوجود می آورد. معاشرت با اشخاص مختلف اثرات مختلف بر روی انسان می گذارد. چون گناه دارای یک طبیعت فریبنده است در نتیجه ایمان داری که با یک انسانی که در گناه زندگی می کند معاشرت داشته باشد در خطر فریب خوردن است. این خطر آنقدر جدی است که حتی برای یک شخص روحانی و با سابقه نیز که می خواهد شخص را که در گناه افتاده اصلاح کند وجود دارد چنانکه در غلطیان ۴ آیه می خوانیم: "اما ای برادران اگر کسی بخطائی گرفتار شود شما که روحانی هستید چنین شخص را بروح تواضع اصلاح کنید و خود را ملاحظه کن که مبارا تو نیز در تجربه افتی." علت این خطر اینست که گناه چنان اثری در روح انسان دارد که قدرت تشخیص و بینش روحانی شخص را تضعیف می کند. وقتی اخلاق شخص و به موازات آن قدرت تشخیص و قضاوت روحانی او صدمه می بیند در نتیجه خود شخص هم متوجه نمی شود که دارد وضع روحانیش خراب می شود تا اینکه بالاخره نتایج مغرب گناه در زندگی بطور آشکار ظاهر می شود. قدرت فریب گناه به حدی است که کسانی هستند که حتی بعد از دیدن تحریب خود و زندگی شان هنوز هم متوجه نمی شوند که فریب گناه را خوردند و سعی می کنند تقصیر را گردن دیگران و یا عوامل دیگر بیاندازند.

به علت اثرات مغرب گناه در معاشرت است که در اول قرن شانزدهم فصل ۵ آیه ۴ و ۷ می خوانیم: "... آیا آگاه نیستید که اندک خمیر مایه تمام خمیر را مخمر می سازد. پس خود را از خمیر مایه کهنه (یعنی گناه) پاک سازید." همانطور که از مقدار کمی خمیر مایه مقدار زیادی خمیر در می آید، در کلیسای مسیح نیز وجود یک نفر ایمان دار که در گناه زندگی می کند می تواند باعث تحریب روحانی بقیه بشود. در همین فصل ۵ آیه ۱۱ تا ۱۹ نولس رسول مسیح به ایمانداران شهر قرنتس فرمود: "در آن رساله شما نویسم که با زانیان معاشرت نکنید. لکن نه مطلقاً با زانیان این جهان یا طمعکاران و یا مستمگران یا بت پرستان که در این صدمت میباید از دنیا بیرون شوید لکن الان به شما می نویسم که اگر کسیکه برادر نامیده می شود زانی یا طماع یا بت پرست یا فحاش یا میگسار یا مستمگر باشد با چنین شخص معاشرت نکنید بلکه غذاهم نخورید." قبل از آیه ۳۳ که در بالا ذکر شد در فصل ۱۵ اول قرن شانزدهم در مورد رستایر مردگان صحبت می شود. در آیه ۱۵ این فصل می خوانیم که بعضی از افراد منحرف در کلیسا می گفتند که قیامت مردگان

وجود ندارد. کسی که به روز قیامت اعتقاد ندارد اشرافی دنیوی می شود که برای انجام هر کاری
بهاشراست چون تصویر می کند که با خدا رو برو نخواهد شد. معاشرت با چنین شخصی ایماندار
را بجای اینکه به طرف زندگی پاک و مقدس و خدا پسندانه تری ترغیب کند برعکس به سوی
سفهات و عشق به دنیا می کشاند. توجه کنید که تعلیم غلط باعث طرز فکر و رفتار غلط
خواهد شد. در رساله دوم پطرس رسول مسیح به ایمانداران در شهر تسالونیکیان فصل ۳
آیات ۶ و ۱۴ می خوانیم: "ولی ای برادران شما را بنام خداوند عیسی مسیح حکم می کنم که از هر برادری
که بی نظم رفتار می کند و نه بر حسب آن قانونیکه از ما یافته اید اجتناب نمایید." "ولی اثر
کس سخن ما را در این رساله اطاعت نکند بر او نشانه گذارید و با وی معاشرت مکنید تا شرمنده
شود." همچنین در رساله دوم یوهنا ای رسول آیات ۱۰ و ۱۱ می خوانیم: "اگر کسی بنزد شما آید و
این تعلیم را نیاورد او را به خانه خود می پذیرید و او را تحیت (سلام یا خوش آمد) مگوئید
زیرا هر که او را تحیت گوید در کارهای قبیلهش شریک گردد." آیات زیر نیز در این مورد می خوانیم:
با مرد تندخو معاشرت مکن و با شخص کج خلق همراه مباش، مبادا راههای او را آموخت
بنوی و جان خود را در دام گرفتار سازی. (امثال سلیمان ۲۲: ۲۴ و ۲۵)

هر که با دزد معاشرت کند خوشبختتر از دشمن دارد زیرا که لعنت می شنود و اعتراف نمی نماید (امثال ۲۹: ۲۴)
با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت. (امثال ۱۳: ۲۰)
خوشبختان کس که به مشورت شریان نروند و به راه گناهکاران نیایند در مجلس استهزاء کنندگان
نشینند بلکه رغبت او در شریعت خداوند است (کتاب مقدس) و روز و شب در شریعت او تفکری کند
مثل دینتی نشانده نزد شهرهای آب خواهد بود که صوفه سفود را در موسمش می دهد و برگش
پرموده نمی گردد و هر آنچه می کند نیک انجام خواهد بود. (مزمور ۱ آیت ۳۶)

زیر یوغ ناموافق با بی ایمانان مسوید زیرا عدالت را با گناه چه رفافت و نور را با ظلمت چه شراکت
است و مسیح را با بتیعال (لقبی از نافرمانی و شیطان) چه مناسبت و مؤمن را با کافر چه
نصیب است. هیکل خدا (ایمانداران) با بتها (بی ایمانان) چه موافقت زیرا شما هیکل خدای
حی می باشید چنانکه خدا گفت که در ایسان ساکن خواهیم بود و در ایسان راه خواهیم رفت و خدای
ایسان خواهیم بود و ایسان قوم من خواهند بود. پس خداوند می گوید از میان ایسان بیرون آید
و جدا شوید و چیز ناپاک را لمس مکنید تا من شما را مقبول بدارم. و شما را پدر خواهیم بود و شما
مرا پسران و دختران خواهید بود. خداوند قادر مطلق می گوید. (دوم قرنتیان ۶ آیت ۱۴ تا ۱۸)